

صنعت چای شمال از سقوط تا نابودی؟!

ش.ا

اگر هم میهنان در چند ماه گذشته به خاطر داشته باشند در سلسله اخبار نوشتارهایی مندرج در سایت مردمی پیک ایران به مسئله چای و شرایط و حال و روز این صنعت با 100 سال پیشینه پرداخته شد. شرایط اسفباری که بر این محصول طرفدار کشورمان حاکم شد و بی لیاقتی و بی تدبیری مسئولین رژیم اسلامی انرا تا به ورطه نابودی کشاند و مافیا اقتصادی با قدرت هر چه تمام تر بر پیکره و ریشه بی رمق ان ضربات جبران ناپذیری را وارد کرد و فقط آقایان اقدام به برخی اعمال غیر کارشناسی نمودند و تا امروز که شاهد نابودی کامل ان می باشیم. از کشت تا توزیع و فروش و مصرف این صنعت دچار اختلال شده و درست اندرکاران ان سال ها نخواهند توانست قد خمیده خود را راست نمایند و از تغییر کاربری و رها سازی باغ ها تا انحلال سازمان متولی چای کشور و بلا تکلیفی صدها شاغل در اداره کل چای شمال همه از عوارض ان می باشد جلوگیری کنند.

سیاست های چای کشور در 7 سال گذشته

سال 78 واردات چای از سوی وزارت کشاورزی وقت کاملاً منع و در سال بعد به اصطلاح <اصلاح ساختار تشکیلات چای کشور> بدون هیچگونه زمینه ی فرهنگی، فنی و کارشناسی به یکباره به اجرا در آمد که البته در نوع خود در دنیا اقدامی بی نظیر است! چند سال بعد و در سال 81 انتقال دین کارخانجات چایسازي جهت انتقال چای خشک و بدهی کارخانجات چایسازي به تشکل های کارخانجات چای شمال (دو تشکل) به اجرا در آمد (یعنی سیاست کلی بعد 3 سال تغییر کرد و قبلی شکست خورد) که حاصل ان جز ضرر و هزینه سربار نگهداری چای خشک در انبارهای بعضاً غیر استاندارد و فساد چای خشک را نداشته است .

در سال بعد (1382) به چایکاران وام بلاعوض دادند تا چای به اصطلاح کیفی شود که حاصل ان تخریب، رها سازی و تغییر کاربری گستره باغهای چای بود. در سال 82 سازمان چای کشور به عنوان متولی چای کشور (بدون تعیین متولی واقعی چای یعنی اداره کل چای شمال) کاملاً منحل اعلام شد و صدها نفر کارمند شاغل در این بخش را که با سرمایه ملی این مملکت سالها تجربه و تخصص اموخته اند، باز خرید کردند و در سال 1384 با تصویب مجلس هفتم شورای اسلامی، امور تصدی گری و خرید تضمینی برگ سبز و چای خشک را که جهت کمک به چایکاران و چایسازان به سازمان غیر تخصصی تعاون روستایی کشور واگذار شد.

همچنین اداره کل خدمات پژوهشی چای در حالی به سازمان تحقیقات کشور منتقل شد که هیچگونه اهدافی برای ان تعریف نشده است و صدها نفر شاغل در این بخش نیز بلا تکلیف مانده اند و در نهایت نیز همان هایی که بر طبل انحلال سازمان چای می کوفتند هنوز دولت جدید کاملاً سر کار نیامده فغان بر آوردند که وجود سازمان چای، امری ضروری و واجب و چای های موجود در انبار نیز در حال فساد است!! حال ما مانده ایم و یک دنیا حیرت که این چه مقوله ایست که کشوری با این همه وزارتخانه و سازمان های عریض و طویل و مسئولان تصمیم گیرنده که تقریباً همگی آنان نیز از سرنوشت اسفبار چای مطلع هستند، قابل حل نیست؟

مگر می توان تصور کرد کشوری با دارا بودن 34 هزار هکتار باغ چای، 72 هزار خانوار چایکار، بیش از 185 واحد عظیم کارخانه چایسازي و هزاران نفر فعال در عرصه کشت، تولید، فن اوری و بازرگانی چای بدون متولی به حال خود رها شود؟

باعث تاسف فراوان است که ماههاست که کارمندان و پرسنل با سابقه و با تخصص فراوان بدون حقوق و بلا تکلیف باقی مانده اند و آقایان تازه به دوران رسیده هنوز نزدیک به 4 ماه گذشته دل به شعار های خود و تعریف و تمجید عوامل و رسانه های وابسته و بزرگنمایی

کارهای بی ثمر خود در عرصه کشور می پردازند!!
ایا کشت و صنعت , تولید, توزیع و فروش, تست بازاریابی و بازاریابی , واردات و کنترل و نظارت بهداشتی کالایی که هر روزه سر سفره تمامی خانوارهای کشور مصرف می شود باید بدون متولی و به حال خود رها شود ؟
شاید برای هم میهنان بسیار جالب باشد که بدانند در اوایل جنگ 8 ساله چای ایرانی بدون هیچگونه مشکلی در زمینه تولید و بازرگانی نداشت و تجار داخلی ماهها در انتظار خرید چای ایرانی می ماندند و حتی 1 کیلوگرم چای نیز در انبارها موجود نبود . حال چه شده که در چند سال اخیر که رمان پردازان به اصطلاح مسئول سناریوی درامی را به اجرا در آوردند که علاوه بر انبار نمودن صدها هزار تن چای خشک در انبارها و فساد آنها و ورشکستگی و نابودی چایکاران سبب مقروض شدن چایسازان با بدهی بیش از 120 میلیارد تومان به سیستم ربا خوار بانکداری اسلامی شده اند !؟
از زمستان سال گذشته به دنبال بارش برف سنگین در استان گیلان انبار نگهداری چای خشک در این استان (در شهرستان لاهیجان) با حدود 5000 تن چای خشک فرو ریخته و تاکنون همچنان در زیر اوار باقی مانده است . علاوه بر تمامی نامه نگاری ها و بوروکراسی اداری توسط مسولان ذیربط تاکنون هیچ متولی ان هم در نظام اسلامی و دولت مدعی عدالت و مبارزه با فساد دولتی خود را مسوول جلوگیری از فاسد شدن این حجم عظیم چای نمی داند !!
ایا انتظار می رود چنین مدیرانی بتوانند و یا بخواهند برای کشور تصمیم بخردانه بگیرند و ان را از نابودی برهانند و تکلیف صد ها گرسنه ی شاغل در این بخ!ش را مشخص نمایند !؟
جای بسی تاسف است چای که محصول استراتژیک منطقه گیلان و قسمتی از مازندران بوده و از نظر کیفیت و ابعاد گوناگوناز نمونه خارجی برتر نیز بوده با چنین سرنوشتی روبرو شود و اینچنین چایکاران و چایسازان و سایر دست اندرکاران چای کشور را به خاک سیاه نشانده است و فقط مافیای اقتصادی میلیاردها سود برده و هیچ اقدام موثری از سوی مدیران بی کفایت مربوطه و سیاست گذاران در این زمینه صورت نگیرد.
اگر برآستی خواهان شکوفایی این صنعت صد ساله هستند فقط کفایت با تعیین متولی چای کشور و تجمیع دیدگاه های مفید و موثر اتحادیه چایکاران , تشکل کارخانجات چای شمال و اداره کل چای شمال که بارها در مجامع تصمیم گیری های مختلف اراپه شده است استفاده و یک برنامه مدون در یک زمان بندی مشخص تایین و به اجرا در آید اما چه سود تاکنون چنین مهمی توسط این غارتگرام سرمایه های ملی و باند بازان سودجو فلج مانده است.

برچیده از:

http://web.peykeiran.com/new/articles/article_body.aspx?ID=7421